

رویکرد ژئوپلیتیکی به نقش ایران در منطقه خلیج فارس

سید عباس احمدی

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران

نرجس سادات حسینی نصرآبادی^۱

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۱

چکیده

منطقه خلیج فارس جایگاه بالایی از دید ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی دارد. کشور ایران بعنوان مهمترین کشور منطقه، از نظر جغرافیایی و فرهنگی در طول تاریخ تکاملی خود همواره بر منطقه تاثیر گذار بوده و از موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی برخوردار است. از جمله اقدامات بایسته ای که ایران در منطقه ی خلیج فارس برای انجام آنها بازیگری اصلی را برعهده دارد؛ تامین انرژی جهان و همکاری اقتصادی زیر بنایی، همکاری‌های امنیتی اتحاد چند جانبه گرایی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، اطمینان به مشارکت منصفانه در نظام تصمیم‌گیری است که بدون مشارکت و حضور مستقیم ایران در این منطقه همواره دچار چالش جدی خواهند بود. بدون حضور ایران در خلیج فارس به دلیل عدم وجود نیروی مخالف در مقابل نیروهای فرامنطقه‌ای، خلیج فارس ماهیت خود را در زمینه تسلط بر دنیای صنعتی از دست خواهد داد و استعمار کامل آن میسر خواهد بود. بنابراین، نقش و حضور ایران برای تثبیت هویت و ماهیت منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس و سرزمین‌های پیرامون آن امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد بیان نقش و جایگاه ایران در منطقه خلیج فارس با رویکردی ژئوپلیتیکی است. به طور کلی ایران، در منطقه دارای نقش اساسی است که در ابعاد اقتصادی، سیاسی و امنیتی خود را نشان می‌دهد و در حال حاضر می‌توان گفت: حضور ایران در منطقه دو جانبه- اقتصادی و متحدکننده- است. یعنی ایران در جهت ایجاد اتحاد کشورهای منطقه و مبارزه با چالش‌ها باید تلاشی گسترده داشته باشد.

کلمات کلیدی: ژئوپلیتیک، ایران، منطقه، خلیج فارس

مقدمه

تحقق اهداف با توانایی‌هایی همراه است که از آن میان، عوامل طبیعی و جایگاه یک کشور در نظام بین‌المللی نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. سرشت پویا و متحول نظام قدرت جهانی و توزیع فضایی و منطقه‌ای آن در جهان - که عمدتاً تحت تأثیر تحول در علم و تکنولوژی و سطح آگاهی ملت‌ها از سویی و تحول در نقش و کارکرد عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی از سوی دیگر قرار دارد - باعث می‌شود که نظام جهانی و نظام‌های منطقه‌ای و روابط دولت‌ها و ملت‌ها با یک دیگر دائماً در حال تحول و دگرگونی باشند. این واقعیت ضرورت مطالعه علمی و دقیق ماهیت پدیده‌های سیاسی را در سطح جهانی، منطقه‌ای و محلی، کیفیت شکل‌گیری آنها و نیز عوامل پیدایش و بازتاب کارکرد پدیده‌ها را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید و میدان عمل گسترده‌ای را فراروی ظرفیتهای ژئوپلیتیکی و جغرافیای سیاسی ممالک قرار می‌دهد (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۱۶). در این میان، می‌توان به نقش منطقه خلیج فارس به عنوان سکوی تغییر و تحولات بین‌المللی اشاره کرد. منطقه ی خلیج فارس که از هشت واحد سیاسی (ایران، عراق، عربستان، قطر، عمان، بحرین، امارات متحده ی عربی، کویت و قطر) تشکیل شده است را می‌توان یک منطقه ی ژئوپلیتیکی بارز در جهان دانست (ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۲۱). خلیج فارس در نظریه‌های ژئوپلیتیکی گذشته جزء سرزمینهای حاشیه به شمار می‌رفت. اما در نظریه‌های جدید ژئوپلیتیکی این دریا به سرزمین «هارتلند» یا «محور» یا به «مرکز مرکزها» تبدیل شده است (لوهازن، ۱۳۷۵: ۴۵). از سوی دیگر، با اهمیت یافتن اقتصاد در نظام جدید جهانی مناطقی در جهان اهمیت دارند که از نظر انرژی غنی باشند. از این رو، خلیج فارس در نظریه‌های ژئواکونومیک نیز، موقعیت بی نظیری بدست آورده است. به طوری که امروزه در جهان هیچ منطقه‌ای نمی‌تواند با آن رقابت کند (زین العابدین ۱۳۸۳: ۱۱۴).

امروزه، این منطقه یکی از اصلی‌ترین کارکردهای نظام بین‌الملل را در زمینه تامین انرژی بر عهده گرفته است و همین عامل، هویت و ماهیت این منطقه را با سایر مناطق جهان متمایز ساخته است. خلیج فارس نشان‌دهنده الگویی یگانه از یک منطقه ژئوپلیتیکی است. در این منطقه ملتهایی گردهم آمده‌اند که علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی، از نظر سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژی اسلامی همانندهایی دارند، که در سایر مناطق به این راحتی محقق نمی‌شود (مجتهد زاده، ۱۳۷۸: ۴۱ و ۴۰).

توانمندی ژئوپلیتیکی یکی از مولفه‌های سنجش قدرت ملی محسوب می‌شود که با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران، حفظ و ارتقای آن امری لازم و ضروری است. حفاظت از خلیج فارس، به عنوان شاهراه حیاتی اقتصاد کشور در گرو دستیابی به تکنولوژی مدرن دفاعی و تاکید بر کیفیت تجهیزات و تربیت نیروهای توانمند است. خلیج فارس با تمام تحولاتی که در سال‌های اخیر شاهد بوده است، همیشه خود را آماده می‌نماید تا تحولات گسترده را پشت سر بگذارد. در چند دهه ی اخیر به دلیل فشارهای مختلف که از سوی بازیگران فرامنطقه‌ای در خلیج فارس صورت گرفته است، وضعیت بسیار ناپایداری در حال شکل‌گیری است. بنابراین، دولت‌های منطقه دچار چالش شده‌اند. این چالش‌ها باعث شده است که هر کدام از کشورهای منطقه بخصوص ایران ضمن اینکه تلاشی برای همکاری همه

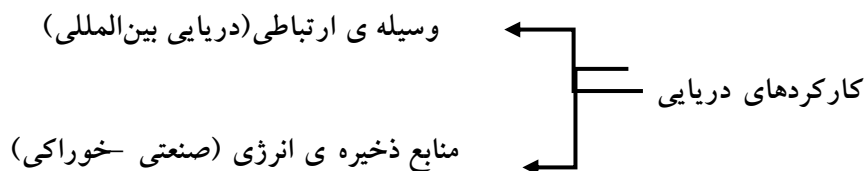
جانبه با کلیه اعضای خود بروز می دهند، در عین حال، به دنبال منافع انفرادی خود باشند و دنبال این مهم می باشند که نقش و جایگاه خود را در خلیج فارس پررنگ و با اهمیت جلوه دهند. در این مقاله تشریح خواهد شد که ایران با استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی مناسب خود و با مدیریت و سازمان دهی سیاستهای داخلی و خارجی و با تاکید بر امنیت در داخل و خارج از مرزها می تواند، روابط و نقش خود را در خلیج فارس گسترش دهد. بنابراین، باید در چارچوب روابط سیاسی، مقاصد اقتصادی خود را در پی گیرد و به کشورهایی که دارای توسعه پایدار هستند بپیوندد.

این پژوهش، از نوع بنیادین و نظری است و روش جمع آوری داده‌ها در این پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای و شیوه تحلیل اطلاعات نیز توصیفی - تحلیلی مبتنی بر روش‌شناسی کیفی می باشد. در این راستا و برای دستیابی به یک نتیجه درست و شفاف در این پژوهش مبتنی بر استنتاج عقلانی کوشش گردیده به تبیین نقش ژئوپلیتیکی ایران پرداخته شود. بنابراین، با به کارگیری متغیرهای اصلی مانند ایران، ژئوپلیتیک و منطقه خلیج فارس سعی بر آن است که به یک نتیجه قابل تعمیم برسیم.

ادبیات نظری

-اهمیت موقعیت دریایی: یکی از جنبه‌های مهم جغرافیا در رابطه با افزایش قدرت ملی کشورها، داشتن موقعیت دریایی و نیروی دریایی قدرتمند است. مکیندر بر این باور بود که گذشته و آینده را با کنار هم نهادن دو منطقه هلال داخلی و خارجی (خشکی و دریا) که در دسترس قدرت دریایی است می توان تبیین کرد (مویر، ۱۳۷۹: ۳۷۱). بنابراین اهمیت دریا و کارکرد آن از قرن‌ها پیش مورد توجه اندیشمندان بوده است. آنها در پیش بینی‌های خود سرچشمه مناقشات دولت‌ها به ویژه در خاورمیانه (خلیج فارس) را دریا و منابع موجود در آن (آب و انرژی) می دانستند.

وزن ژئوپلیتیکی رابطه مستقیم با منزلت ژئوپلیتیکی کشور در سیستم جهانی و منطقه‌ای دارد. یعنی هر چه قدر وزن بیشتر باشد، منزلت و اعتبار کشور هم بیشتر می شود (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۱۰) یکی از ابزار افزایش وزن ژئوپلیتیکی همجواری با دریا به ویژه دریاهای دارای منابع انرژی (نفت و گاز) است. بطور کلی کارکردهای دریایی را می توان به صورت زیر ارائه داد:



ایران از جمله کشورهایی است که از موقعیت دریایی و پتانسیل‌های آن بهره مند شده است. این موقعیت باعث شکوفایی در جهان و بخصوص در منطقه خلیج فارس شده است. دولت ایران با مدیریت کارآمد و برنامه ریزی صحیح و دیپلماسی به جا می تواند از این پتانسیل‌ها استفاده کند و به ایجاد توسعه پایدار در کشور پردازد.

ژئوپلیتیک خلیج فارس

از منظر ژئوپلیتیک خلیج فارس بیشتر از آن که با خاورمیانه در انطباق باشد یا در بطن سرزمین خاورمیانه قرار بگیرد، همسو با منطقه جنوب غرب آسیا است. علایق و انگیزه‌های رهبران مناطق ژئوپلیتیک در جنوب غرب آسیا بیشتر مبتنی بر انرژی، تجارت و امنیت است (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۸۱) که با ماهیت و کارکردهای منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس همخوانی دارد. چنانچه در منطقه جنوب غرب آسیا هر اقدامی که در زمینه تجارت و انرژی صورت گیرد، یک طرف دیگر آن به خلیج فارس متصل می‌شود. به عنوان مثال هر خط لوله ای که در آسیای مرکزی و قفقاز گذاشته شود می‌بایست به خلیج فارس ختم شود و هر خط لوله ای که از خلیج فارس شروع شود می‌بایست به جنوب آسیا (خط لوله صلح) و یا اتحادیه اروپا (ناباکو) منتهی گردد. آسیای جنوب غربی از پنج منطقه ژئوپلیتیک (آسیای مرکزی، شبه قاره، قفقاز، خلیج فارس و خاورمیانه) تشکیل می‌شود. این منطقه دارای موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک (نفت و گاز) و به طور کلی بازار تجارت انرژی خطوط مواصلات بین‌المللی و احیای جاده ابریشم است (همان، ۶) که برای بالفعل درآمدن این پارامترها در منطقه جنوب غربی آسیا، منطقه خلیج فارس نقش کلیدی را بازی می‌کند.

موقعیت ایران در خلیج فارس

با توجه به نظریه ریملند^۱ و هارتلند^۲ و موقعیت کلیدی ایران در منطقه خلیج فارس می‌توان به اهمیت، نقش و موقعیت ایران در این منطقه پی برد (raveshe88.blogfa.com).

ایران در طول تاریخ و در گفتمانهای سیاسی جهان از جایگاه ویژه ای در منطقه ی ژئوپلیتیکی خلیج فارس برخوردار بوده است. چنانکه همیشه ایران به عنوان پنجره فرصت در خلیج فارس نگریسته شده است. برای مثال ایران در قرن هفدهم به دلیل اینکه دروازه ورود به هند محسوب می شده است، به عنوان گلوگاه استراتژیک بریتانیا مورد توجه انگلیس و رقیب دیرینه اش روسیه تزاری بود. این عامل برای حدود سه قرن ایران را در کانون توجهات امپراتوری‌های جهان قرار داده بود. بعد از آن نیز ایران به دلیل کشف نفت به عنوان اولین کشور منطقه خلیج فارس با جایگاه استراتژیکی برتر از گذشته در کانون توجهات بین‌المللی قرار گرفته است. این در حالی است که با گذشت کمتر از نیم قرن از استخراج نفت در ایران، ایران به عنوان مرز بلوک غرب و شرق از حساسیت و اهمیت صد چندانی برخوردار گردید. با این نگرش، ذات موقعیت جغرافیایی و سوق الجیشی ایران در خلیج فارس به نوعی است که در هر دکترین ژئوپلیتیکی اعم از اقتصادی، نظامی، سیاسی، جهانی شدن، نظام تک قطبی و چند قطبی جایگاهی غیر قابل چشم پوشی دارد و این در ورای تعامل یا عدم تعامل ایران با نظام بین‌الملل است. امروزه جایگاه

۱- در این نظریه مکیندر معتقد است اروپای شرقی هارتلند(قلب زمین) محسوب می‌شود و توسط یک حاشیه هلالی شکل محصور شده است، خلیج فارس جزء حاشیه هلالی شکل محسوب می‌شود.

۲- از نظر اسپایکمن هر دولتی بر ریملند(سرزمین حاشیه) تسلط داشته باشد، بر کل جهان حاکمیت دارد و متذکر شده که خلیج فارس جز ریملند محسوب می‌شود.

ایران در ژئوپلیتیک خلیج فارس و اتصال آن به مناطق پیرامون از جمله: آسیا مرکزی و قفقاز و آسیای جنوبی و شمال آفریقا در حال افزایش است. موقعیت ایران به نحوی است که بیشتر از این که به نفع پهنه سرزمینی داخل باشد به نفع دنیای خارج است. بنابراین قرارگیری ایران در حاشیه شمالی خلیج فارس و درحاشیه جنوبی دریای خزر ایران را در منطقه، به عاملی بسیار مؤثر در تبیین استراتژی منطقه خلیج فارس و آسیای مرکزی و قفقاز تبدیل کرده است. لذا برای تحلیل پتانسیل‌های ایران مد نظر قرار دادن این عوامل امری ضروری است که در غیر این صورت جایگاه واقعی ایران در این سیستم به وضوح مشخص نخواهد شد.

در زمینه روابط ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس باید گفت که در سال‌های اخیر عمدتاً از اوایل دهه ۱۳۸۰ روابط کشورهای حاشیه جنوبی با ایران روند ملایم و رویه بهبودی را طی می‌کند. کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس سعی دارند تا ایران را در شبکه روابط گسترده با کشورهای عربی وارد سازند. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بر خلاف گذشته امروزه نمی‌توانند در منزوی کردن همسایه شمالی خود اقدام کنند، زیرا به خوبی از تداخل داده‌های تاریخی و قومیتی از طریق امتدادهای جغرافیایی بین دو طرف آگاهی دارند و خوب می‌دانند که کشورهای شورای همکاری و ایران سرنوشت مشترک و حقایقی ثابت دارند و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت، بلکه باید با آن به تعامل پرداخت (عایشه المری، الاتحاد (امارات) ۲۰۰۷/۶/۱۸). این موارد از یکسو بیانگر روابط رو به بهبود ایران با رهبران کشورهای منطقه تلقی می‌شود و از سوی دیگر موجب نگرانی‌های مستقیم ابرقدرتها بوده و بطور بالقوه عامل بسیار سیالی برای مناقشات احتمالی در خلیج فارس است. ایران به دلیل سواحل طولانی و راه‌های بالقوه دریایی خود جایگاه بر جسته‌ای در اندیشه قدرت‌های خارجی دارد، قابلیت‌های دریانوردی همراه با فعالیت‌های هسته‌ای، تهدید جدیدتری را در مقایسه با نیروهای متعارف زمینی، متوجه منافع غرب ساخته است (کمپ وهارکاو، ۱۳۸۳: ۱۲۶).

علاوه بر موارد فوق ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی اش در منطقه خلیج فارس حائز قدرت بازدارندگی فوق العاده است که در مواقع بحران ماهیت ژئوپلیتیک ایران را در خلیج فارس نمایان می‌کند. وزیر امور خارجه ایران در هجدهمین همایش بین‌المللی خلیج فارس با بیان اینکه کشورهای خلیج فارس از امکانات، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های کافی و لازم برای ایفای نقش سازنده و برداشتن گام‌های بلند جهت مدیریت مؤثر معادلات منطقه خود برخوردارند، گفت: «منطقه گرایی از اولویت‌های نخست سیاست منطقه‌ای ایران در آسیای جنوب غربی و خلیج فارس به شمار می‌رود. چرا که منطقه گرایی، در توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی منطقه نقش مهمی ایفا می‌کند» (www.IranNewsAgency.com).

یافته‌های تحقیق:

نقش ایران در خلیج فارس

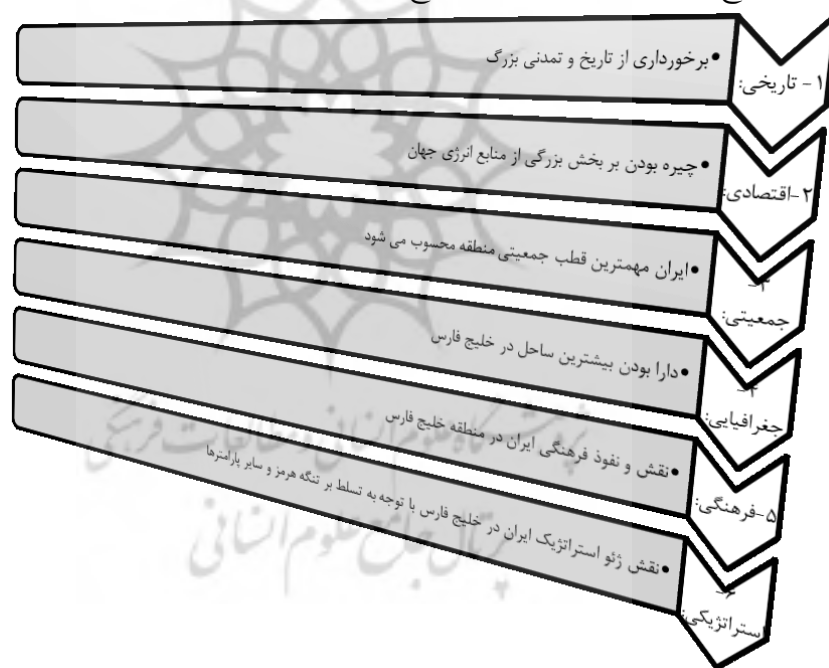
ایران در منطقه خلیج فارس از موقعیت استراتژیکی برخوردار است. نکته جالب توجه این است که سرمایه‌های مادی (انرژی و سایر منابع) در کنار سرمایه‌های معنوی (نقش ژئوکالچر) برای ایفای نقش ایران در کنار یکدیگر قرار

گرفته‌اند. بر پایه حقوق ذاتی و مبانی فلسفی مزبور، ایران ضرورتاً در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس به ایفای نقش می‌پردازد.

الف- نقش سیاسی برای حضور در فرآیندها، سیاستها، تصمیم‌گیریها و مدیریت امور منطقه‌ای و تعامل سازنده با سیستم بین‌المللی.

ب- نقش اقتصادی برای بهره‌وری منابع انرژی، حمل و نقل و صنعت و تجارت و به طور کلی توسعه متوازن، جامع و پایدار فضای جغرافیایی ملی و منطقه‌ای. امنیت تولید انرژی و انتقال آن در منطقه که نیاز اساسی کشورهای تولید کننده و مصرف کننده انرژی است، نیازمند به همکاری و همراهی ایران است.

ج- نقش امنیتی و دفاعی برای تامین امنیت و آرامش پایدار فضای ملی و منطقه‌ای و نیز پیشگیری و مقابله با تهدیدات احتمالی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای (حافظ نیا و ربیعی، ۱۳۹۲: ۳۴۴-۳۴۵) که حتی قدرتهای جهانی از جمله امریکا نمی‌توانند این نقش را نادیده بگیرند. ایران به لحاظ شرایط که در شکل (۱) بیان شده است، از جایگاه ویژه‌ای در تامین امنیت در خلیج فارس برخوردار است و هیچ کشوری نمی‌تواند این جایگاه را نادیده بگیرد:



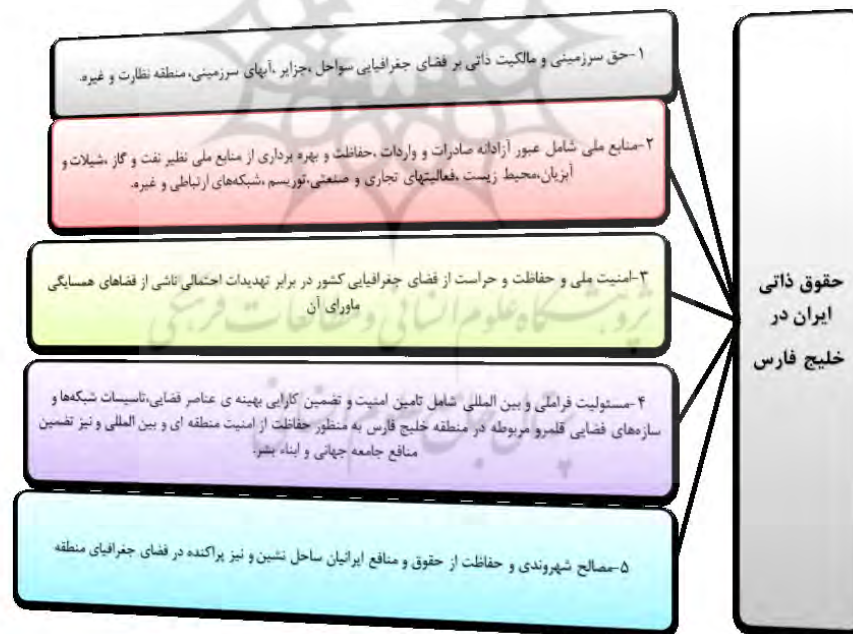
شکل (۱)، شرایط برخورداری از جایگاه ویژه‌ای در خلیج فارس منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

بنابراین، نقش ایران در زمینه ایجاد صلح منطقه‌ای بسیار مهم و چشمگیر است و باید با دیپلماسی کارآمد، به جایگاه مناسب خود به عنوان عامل ثبات منطقه‌ای دست یابد که در این زمینه ارائه ترکیبی از نقش‌های امنیتی، فرهنگی و اقتصادی می‌تواند مؤثر باشد. همچنین ایران باید در عرصه سیاست خارجی سخت در پی تنش زدایی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی باشد، ولی این امر نباید بدون توجه به جایگاه اقتدار و عزت کشور و استفاده نکردن از موقعیت آن صورت گیرد. ایران اولین کشوری بود که در پی خروج نیروهای بریتانیا از منطقه (شرق کانال سوئز) در آغاز دهه ۱۹۷۰ ترتیبات امنیتی را خواستار شد. مدلی که ایران برای این منظور مطرح ساخت این بود که اگر هر یک

از کشورهای کرانه ای خلیج فارس از ترتیبات امنیتی منطقه کنار گذاشته شوند آن ترتیبات نه تنها ناکامل است، بلکه عاملی برای تحریک علیه کشور یا کشورهای کنار گذاشته شده تلقی شده و سپس ناامنی ایجاد خواهد شد و ایران چنین ترتیبات ناقصی را تحمل نخواهد کرد (مجتهد زاده، ۱۳۸۲: ۴۳). این نشان‌دهنده حضور مستمر و گسترده ایران چه در دوره بعد و چه در دوره قبل از انقلاب است. کما این که ایران با خلاء قدرت در خلیج فارس از بعد از خروج نیروهای انگلیسی توان یک تازی را داشت، ولی همچنان خواستار ترتیبات امنیتی با شرکت تمام اعضا بود. با توجه به مسائل فوق می توان گفت: ایران به خلیج فارس وابستگی حیاتی دارد و این عامل، انگیزه ی ایران را برای حفظ جایگاه برتر خود در خلیج فارس همچنان بالا نگه داشته است. بنابراین حذف ایران و یا قائل شدن نقش کم‌رنگ برای ایران در خلیج فارس منطقه را در نوک پیکان بحران و تنش قرار خواهد داد.

حقوق ایران در خلیج فارس

نقش آفرینی ایران در خلیج فارس مبتنی بر عوامل جغرافیایی است که بطور مشخص شامل موقعیت، فضا و قلمرو سرزمینی، مجاورت و دسترسی، ساختار فیزیوگرافیک، منابع زیرزمینی، ساختهای اقتصادی و ارتباطی و بالاخره مردم و ملت می‌باشند. مبانی جغرافیایی مزبور، تولید کننده حقوق ذاتی برای مردم و نظام سیاسی ایران است که در شکل (۲) به آنها اشاره شده است.



شکل (۲)، حقوق ذاتی ایران در منطقه ی خلیج فارس (حافظ نیا و ربیعی، ۱۳۹۲: ۳۴۴) منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

- جایگاه ایران در منطقه خلیج فارس

- جایگاه اقتصادی:

در جهانی که عمده الگوهای سیاسی - اقتصادی بر اساس نفت و گاز و مشتقات حاصل از آنها شکل می گیرد، خلیج فارس و محیط پیرامون آن با در اختیار داشتن ۶۳/۵ درصد از کل ذخائر نفت شناخته شده جهان است

(سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷: ۱۴۶) نقش مسلطی را در معادلات ژئوپلیتیکی جهان ایفا می‌کند. ایران نیز با دارا بودن حدود ۱۵ درصد از ذخائر شناخته شده دنیا جایگاه ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک فوق العاده ای را در جهان بخصوص در منطقه خلیج فارس به خود اختصاص داده است، به طوری که موقعیت و جغرافیای ایران در این دریا دروازه ورود ایران به صحنه بازی بین‌الملل محسوب می‌شود. زندگی اقتصادی ایران روی محور استخراج نفت و گاز و بازرگانی آن از طریق خلیج فارس دور می‌زند. نفت و گاز اصلی‌ترین کالای انرژی در جهان فعلی است که روز به روز بر نقش راهبردی آنها در معادلات جهانی افزوده می‌شود. چنین روندی کشورهای برخوردار از ذخائر انرژی را به اهمیتی راهبردی در سیاست بین‌الملل نائل می‌سازد که با تدبیر و بهره‌گیری بهینه از فرصت‌ها می‌توانند جایگاه و موقعیت خود را در نظام دگرگون‌شونده جهانی بهبود بخشند. بنابراین بر اساس ظرفیت‌های موجود ایران استعدادهای کم نظیری در برقراری پیوندهای انرژی با کشورهای مصرف‌کننده عمده انرژی از جمله: چین، هند، کشورهای اروپای غربی و... وجود دارد، که در معادلات اقتصادی نظام بین‌الملل در قرن بیست و یکم عامل بسیار مهمی در توانمندی ایران می‌باشد. براین مبنا با برخورداری از پشتوانه اقتصادی منطقه‌ای که به واسطه حامل‌ها و پیوندهای انرژی ایجاد می‌شود توان محقق ساختن نقش ویژه خود را در منطقه داراست. هسته اصلی این ویژگی ژئوپلیتیک بر مبنای نقش و ماهیت ایران در تامین انرژی جهان استوار است. به این نکته زمینه‌ساز کردوری بودن ایران جهت انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی و قفقاز را نیز باید به اهمیت ایران در خلیج فارس افزود. با فروپاشی شوروی سابق به عنوان یکی از قطب‌های ایدئولوژیک جنگ سرد، تقابل شرق و غرب بر چیده شد و ایران که تا آن زمان به صورت بالقوه عامل اتصال مناطق ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک قفقاز و آسیای مرکزی که دومین قطب انرژی جهان را در حال حاضر در اختیار دارند. عملاً اتصال و ترانزیت مناطق فوق‌الذکر را فراهم ساخت و جایگاه ژئوپلیتیک خود را در مرکز دو قطب انرژی جهان ارتقاء بخشید. این در حالی است که امروزه با توجه به شرایط منطقه و نظام بین‌الملل، جمهوری اسلامی ایران در جریان منطقه‌گرایی بر این محور تاکید می‌کند که در خلیج فارس می‌بایست سرنوشت و منافع اقتصادی و ژئوپلیتیک ایران و کشورهای همجوار به همدیگر متصل شود و از نقش قدرت‌ها کاست. چنان‌که اگر انسجام اسلامی نیز بین کشورهای اسلامی صورت گیرد حوزه ژئوپلیتیکی قدرتمندی با مرکزیت خلیج فارس شکل خواهد گرفت (محرابی، ۱۳۸۶: ۱۷۱) که جمهوری اسلامی ایران در آن بیشترین نفوذ اقتصادی را داراست و به تبع آن از نقش نیروهای فرامنطقه‌ای کاسته می‌شود.

- جایگاه دفاعی و بازدارندگی

با وجود این که اندیشه‌های ژئوپلیتیک نظام نوین جهانی از دهه ۱۹۹۰ از رقابت تسلیحاتی به رقابت اقتصادی تغییر ماهیت داده است، ولی آنچه در عرصه عمل اتفاق می‌افتد بیانگر این است که توان نظامی و سلاح و تجهیزات پیشرفته و قدرت بازدارنده همچنان به عنوان عامل سخت‌افزار و بازدارنده برای احراز جایگاه و رتبه برتر منطقه‌ای نیز نقش ایفا می‌کند. منطقه خلیج فارس هم با وجود آشفتگی‌های سیاسی حاکم در منطقه از این فرض به دور نیست. همه کشورهای حاشیه خلیج فارس بر این امر واقف هستند که امنیت خلیج فارس با حضور مؤثر و هماهنگ

همه کشورهای حاشیه اماکن پذیر است. چنانچه تلاش ایران برای تشکیل گردهمایی منطقه‌ای برای حفظ ثبات و امنیت منطقه خلیج فارس از اوایل دهه ۷۰ و تلاش عربستان سعودی برای محقق ساختن "شورای همکاری خلیج فارس" ^۱ با مشارکت کشورهای کوچک حاشیه از جمله: قطر، کویت، بحرین، امارات متحده عربی و عمان در فوریه ۱۹۸۱ و همچنین تلاش کشورهای عضو برای محقق شدن یک نیروی دفاعی مشترک در سال ۲۰۰۱ که برای تامین امنیت منطقه همگی در راستای هژمونی کردن قدرت است، با این حال امنیت منطقه خلیج فارس فراتر از این حرفهاست که این اقدامات امنیت خلیج فارس را تامین کند. علی رغم این که کشور عربستان به عنوان قویترین عضو شورای همکاری خلیج فارس اقدام به اجرای پروژه‌های عظیم و وسیع شامل احداث پایگاه‌های نظامی زمینی، دریایی، هوایی در خاک خود کرده است و خود را مجهز به انواع مختلف وسایل و تجهیزات نظامی نموده است، ولی ضربه پذیری عربستان، کویت و سایر اعضای شورا همکاری خلیج فارس در مقابل عراق به اثبات رسید که هر اندازه که این کشورها خود را به پیشرفته‌ترین سلاحها مجهز کنند به دلایل مختلف توان مقابله با قدرتهای منطقه و فرمانطقه‌ای مثل امریکا که از سالهای بعد از خروج انگلستان از شرق کانال سوئز در خلیج فارس حضور مداوم دارد را ندارد. برای نمونه آواکسهای واگذار شده به عربستان عملاً توسط مستشاران نظامی آمریکایی هدایت می شوند. اداره سیستمهای پیچیده راداری و موشکی خارج از توان پرسنل نظامی کشورهای یاد شده است (حیدرعبدی، ۱۳۷۸: ۵۲).

ناتوانی اعضای شورای همکاری خلیج فارس در زمینه‌های مختلف و پیشنهاد ایران برای امنیت دسته جمعی با تکیه بر توانمندیهای ایران امکان پذیر است. البته پتانسیل بومی گرائی نظامی ایران با صرف بودجه‌های بسیار کمتر از کشورهای منطقه ایران را به عنوان یک قدرت نظامی برتر در تغییر معادلات خلیج فارس در برابر امریکا قرار داده است و امروزه ایالات متحده امریکا از تاکتیکهای نظامی ایران در خلیج فارس نظیر قایق‌های تندرو و غیره نگران است. این در حالی است که ایران تنها ۴/۲ درصد تولید ناخالص ملی خود را در سال ۱۹۹۳ صرف هزینه‌های نظامی کرد. عربستان سعودی ۱۳/۱ درصد، کویت ۱۲/۱ درصد، عمان ۱۵/۳ درصد و امارت متحده عربی بیش از ده درصد تولید ناخالص ملی خود را در آن سال به هزینه‌های نظامی اختصاص دادند (ستوده، ۱۳۸۰: ۴۱). شاخص‌های نظامی ایران بیانگر رقابت سرسختانه ایران برای حفظ موقعیت بازندارندگی ایران در برابر قدرتهای منطقه‌ای در خلیج فارس است. بنابراین امروزه حضور ایران در خلیج فارس عاملی حیاتی تلقی می شود. ضعف کشورهای عربی در مبارزه برابر اسرائیل و شکست عراق در جنگ خلیج فارس، بازگشت ایران به موضع قدرت را صرفاً تسریع می کند. واقعیت ژئومیلیتاری این است که حضور نیروهای آمریکا و نیروهای ائتلاف در خلیج فارس، عراق و پایگاه‌هایشان در کشورهای کوچک ساحلی نمی‌توانند جایگاه برتر ایران را در منطقه خدشه دار کنند. جمهوری اسلامی ایران به دلیل این که تنها نیرویی است که در مقابل نیروهای بیگانه ایستادگی می کند و حضور این نیروها را تحت کنترل دارد، همچنان در افکار عمومی جهان و کشورهای منطقه وجهه برتری خود را حفظ کرده است. برخی از کشورهای

¹ Gcc

حاشیه خلیج فارس رسماً علایق خود را برای استفاده از انرژی هسته‌ای ایران اعلام کرده‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز در این راستا اعلام کرده است که آمادگی دارد، برای کمک به پیشرفت کشورهای اسلامی به ویژه در منطقه هر نوع مساعدتی را به عمل آورد. در چنین شرایطی شورای همکاری خلیج فارس که ۲۷ سال پیش که با هدف مقابله با ایران شکل گرفت، امروز احساس می‌کند تعامل سازنده با ایران بهترین راه تامین منافع کشورهای عضو و تامین امنیت استراتژیک خلیج فارس است. کشورهای عربی حوضه خلیج فارس به این امر واقف هستند که دیر یا زود به امکانات طبیعی ایران نیاز مبرم خواهند داشت. حتی امروز سیر گرایش‌های آمریکا در قبال چگونگی مناسبات کشورهای منطقه به سمت روابط مصالحه‌جویانه است.



شکل (۳). گرایش‌های سه گانه آمریکا در قبال مناسبات کشورهای منطقه

منبع: (اسدی، ۱۳۹۲: ۵۸۷-۵۸۸)

-الزامات ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه:

موقعیت ایران در نظام جهانی و منطقه‌ای و کنش و روابط متقابل آن با قطبهای قدرت جهانی و مناطق ژئوپلیتیکی، همواره مسائل جدیدی را می‌آفریند که مجموعاً زمینه بسیار مناسبی را برای مطالعه عوامل پویا و متحول سیاسی و علمی با تأکید بر واقعیت‌های جغرافیایی برای تبیین سیاست خارجی فراهم آورده است. ایران به عنوان بزرگترین کشور خلیج فارس و یکی از مهمترین کشورهای تأثیرگذار در منطقه، نیازمند این است که اهمیت ژئوپلیتیک خود را در نظام دگرگون شونده جهانی از راه ایجاد پیوندهای گسترده در روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس در ژرفای ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک مشخص سازد و کارایی بیشتری بخشد. حضور آمریکا در خلیج فارس و اشغال افغانستان و عراق می‌تواند زمینه همکاری ایران با کشورهای منطقه را در مورد منافع مشترک تقویت کند، اما در صورت عدم همکاری و هماهنگی بزرگترین تهدید علیه امنیت جمهوری اسلامی است. با توجه به سهم زیاد ایران در منطقه، بهترین راهکاری که می‌تواند ایران را از مخمصه انزوا که آمریکا به دنبال آن است، رها سازد، برقراری روابط دوستانه با کشورهای عربی است. روابط دوستانه با این کشورها منجر به فضای اعتمادساز بین دولتها می‌شود، اعتماد میان دولت‌ها به درک اشتراکات منافع و خطر تهدیدات مشترک می‌انجامد، و این درک به نوبه خود می‌تواند زمینه ساز پیمان امنیت دسته جمعی باشد. دست یافتن به زمینه‌های مشترک یک پیمان امنیت دسته جمعی، باعث برقراری امنیت توسط کشورهای منطقه و ناکارآمد شدن عوامل خارجی در منطقه می‌شود. با توجه به عامل

جغرافیایی، اقتصادی و استراتژیک مشترک میان همه کشورهای خلیج فارس، منطقی‌ترین نظام برای پاسداری از امنیت منطقه، سیستمی خواهد بود که همه کشورهای کرانه را بدون شرکت هیچ کشور دیگری در برگیرد. کشور ما، ایران در شرایطی قرار گرفته است که وحدت ملی و یکپارچگی و اقتدار و غرور ملی اش به گونه‌ای روزافزون مورد سؤال قدرتهای رقیب قرار می‌گیرد. موقعیت حساس و محوری ایران در قلب منطقه برای ملت ما می‌تواند هم فرصت ساز باشد و هم فاجعه آفرین. ایران به عنوان بزرگ‌ترین کشور خلیج فارس و یکی از مهم‌ترین کشورهای تأثیرگذار در منطقه، نیازمند این است که اهمیت ژئوپلیتیک خود را در نظام دگرگون شونده جهانی از راه ایجاد پیوندهای گسترده در روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس در ژرفای ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک مشخص سازد و کارایی بیش تری بخشد. (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۱۵).

بنابراین، با اوج‌گیری نگرش‌های اقتصادی و تأثیرات همه جانبه آن بر تحولات جوامع، شواهد حاکی از آن است که در سده بیست و یکم معیار قدرت بر کم و کیف مدیریت منابع و بویژه توانمندیهای اقتصادی در سطوح بین‌المللی متمرکز است. بدین سان در ترتیب و اولویت‌بندی منافع و قدرت ملی و ابزارهای نفوذ جهانی، توان اقتصادی هر کشور، مهم‌ترین جایگاه را در سال‌های اخیر به خود اختصاص داده است. با تحولات پس از جنگ سرد، مناطق ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک منطبق با مناطقی است که دارای منابع طبیعی سرشار و تولید ناخالص فراوانی باشند. بدین لحاظ است که منطقه خاورمیانه بویژه حوزه خلیج فارس با در اختیار داشتن بیش از ۶۰ درصد منابع تولید انرژی (نفت و گاز)، از نقش ژئواکونومیک منحصربه‌فردی در سده بیست و یکم برخوردار است. حال اگر مناطق استراتژیک دوران جنگ سرد (ژئوپلیتیک) منطبق با عامل اقتصادی (ژئواکونومیک) گردد، آن مناطق موقعیتی بین‌المللی خواهند یافت که غیرقابل جایگزین بوده و نقشی محوری در تدوین استراتژی جهانی پیدا خواهند کرد. جمهوری اسلامی ایران با یک درصد جمعیت، رتبه دوم و چهارم از ذخایر گاز طبیعی و ذخایر نفتی جهان، در منطقه خلیج فارس و دریای عمان بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر ساحل مناسب عملیاتی و شمار زیادی جزایر استراتژیک در اختیار دارد و در شمال کشور نیز با دومین منبع نفت و گاز جهان هم‌مرز است، لذا در تأمین امنیت منطقه و در کمک به استقرار صلح و ثبات بین‌المللی قرن ۲۱ نقش محوری خواهد داشت. جهان در سده ۲۱ در حرکت بسوی منظومه‌های قدرت است. ایران نیز باید جهانی بیندیشد و با ورود به این منظومه‌ها با امکانات و منابعی که دارد، حداکثر تلاش را برای بهره‌برداری از فرصتها در جهت حفظ و ارتقای منافع ملی بکار گیرد. لیکن به لحاظ عدم توجه عملی به واقعیت‌های ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک (الزامات ژئوپلیتیک) و تحولات سریع در هزاره سوم، منظومه‌های قدرت در تلاش برای بهره‌برداری یکجانبه از فضای ایران هستند. این شرایط سبب یک تصور تهدید مستمر برای جمهوری اسلامی ایران شده که این امر ضمن عدم سازگاری با روند تحولات سده ۲۱، ناشی از فقدان درک صحیح و جامع از فرآیند تحولات جهانی می‌باشد. تحولات گسترده در شرایط و اوضاع کنونی منطقه خاورمیانه حاکی از ایجاد زمینه‌های مطلوب برای اقتدار منطقه‌ای ایران بوده و نمادی از ارتباط تنگاتنگ میان دگرگونی در وضعیت با کارکردهای دیپلماتیک برای کشور ایران است (عباسی، ۱۳۹۲: ۱۰۴).

به طور کلی، دیدگاه ژئوپلیتیک دگرگون شده ایران نسبت به تعاملات جهانی و منطقه‌ای، دستاورد مطالعه دگرگونی‌های سریع در نظام ژئوپلیتیک جهانی و اولویتهای آن است، ایران در تعاملات نوین با جهان سیاسی پست مدرن از راه تعیین دو منطقه ژئوپلیتیک مهم در سرحدات جنوبی و شمالی با تکیه بر آنچه در این دو جناح می‌گذرد، به نقش آفرینی‌های منطقه‌ای خود اهمیت ویژه‌ای می‌بخشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۷). در نتیجه، ایران باید به دنبال ایجاد زمینه‌های همکاری و همگرایی در منطقه باشد که در زیر به بعضی راه‌ها اشاره خواهد شد.

- همگرایی در منطقه خلیج فارس در پرتو سیاستهای ایران:

ایران در مقام پر جمعیت‌ترین کشور خلیج فارس با موقعیت ژئواستراتژیک و جایگاه سیاسی، فرهنگی و تاریخی ممتاز، برجسته‌ترین قدرت و شاخص‌ترین بازیگر سیاسی خلیج فارس محسوب می‌شود. بنابراین دلایل ژئوپلیتیکی لازم برای اقتناع کشورهای منطقه برای حرکت به سوی منطقه گرایی با محوریت ایران وجود دارد. همگرایی منطقه‌ای خلیج فارس با ژئوپلیتیک منحصربفرد ایران و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس محقق می‌شود (WWW.BAZTAB.COM/NEWS/21080.PHP). این در حالی است که حتی تاثیر و نقش خلیج فارس در ویژگی‌های ترانزیتی و منابع نفتی از مسائل استراتژیک است که به طور مستقیم و غیر مستقیم بر حکومت و امنیت ملی و منافع اقتصادی ایران اثر می‌گذارد (محرابی، ۱۳۸۶: ۶۶).

موقعیت ایران در خلیج فارس با توجه به توان‌های محیطی و همچنین به دلیل قرارگیری در کانون دنیای صنعتی حائز جایگاه راهبردی است که نظام بین‌الملل و تحلیل ژئوپلیتیکی جهان را به شدت تحت الشعاع قرار داده است. در حال حاضر ایران قدرت درجه ی یک منطقه است و برای تدوین سیاست خارجی خود اوضاع و شرایط منطقه را مد نظر قرار می‌دهد که در شکل (۴) هم به آن اشاره شده است.



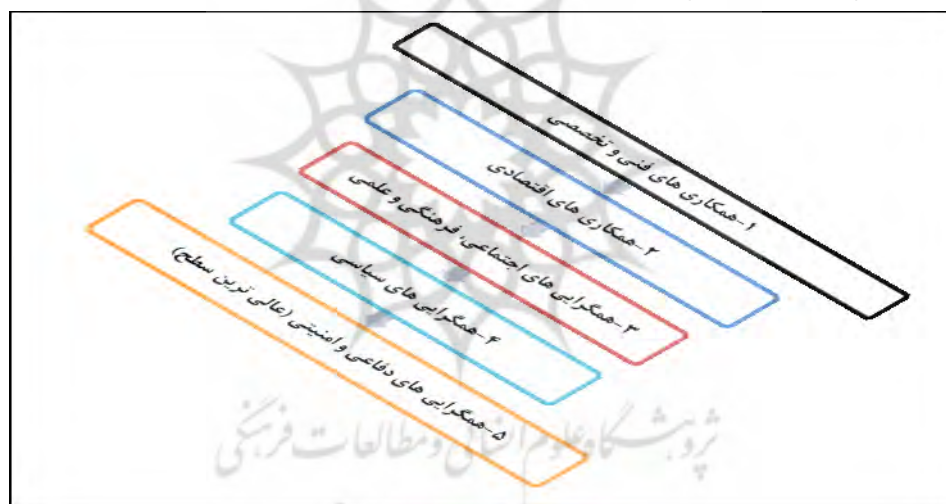
شکل (۴)، عناصر اصلی شکل دهنده سیاست خارجی ایران

منبع: (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۲۱)

چنانچه همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس، منطقه را از گرایش به سمت و سوی بحران محافظت کند، جمهوری اسلامی ایران نیز با مد نظر قرار دادن این منطق ژئوپلیتیکی، کماکان در تلاش است منطقه را در مسیر همگرایی رهبری کند. در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران به دلیل اشراف به پتانسیلهای تجاری همسایگان شمالی خود از طریق عضویت در سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) زمینه لازم برای ترغیب کشورهای منطقه خلیج فارس به سمت و سوی همگرایی منطقه‌ای با همکاری کلیه اعضا را دارا می‌باشد. لذا ایران تنها کشوری است که توان و موقعیت جغرافیایی و پیوند خلیج فارس به عمق منطقه جنوب غرب آسیا را داراست و این همان چیزی است که عده ای از صاحب نظران از آن به عنوان (تبدیل جغرافیا به قدرت) یاد می‌کنند و منطقه خلیج فارس بدلیل همگن تر

بودن و ماهیت اقتصادی در نظام بین‌الملل از دیدگاه علم ژئوپلیتیک، خود را به عنوان یک منطقه مؤثر ژئوپلیتیکی معرفی می‌نماید. ایران به عنوان کشوری که ایده همگرایی منطقه جنوب غربی آسیا را به عنوان استراتژی بلند مدت خود مدنظر قرار می‌دهد با تحکیم موقعیت خود در جنوب غرب آسیا و خلیج فارس جایگاه خود را ارتقاء می‌بخشد؛ زیرا ایران بزرگترین شریک و شاهرگ جنوب آسیا (خلیج فارس) محسوب می‌شود. در واقع ارتقاء جایگاه ایران در خلیج فارس با پیوند این دو منطقه با کل پیکره جنوب غرب آسیا محقق می‌شود. چرا که حضور کشورهای جنوب آسیا در خلیج فارس از طریق خاک ایران باعث ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی خلیج فارس و منتفع شدن کشورهای جنوب غرب آسیا و به طبع آن ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی ایران در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس و نظام بین‌الملل تلقی می‌شود.

ایران به عنوان قدرت درجه ی یک منطقه برای ایجاد همگرایی باید به ترتیب و اهمیت روابط با اعضای منطقه توجه داشته باشد، تا بتواند به نهایت و اوج همگرایی در منطقه دامن زند. در شکل (۵) به اولویت روابط و ایجاد برنامه ریزی برای عملی کردن همگرایی اشاره شده است.

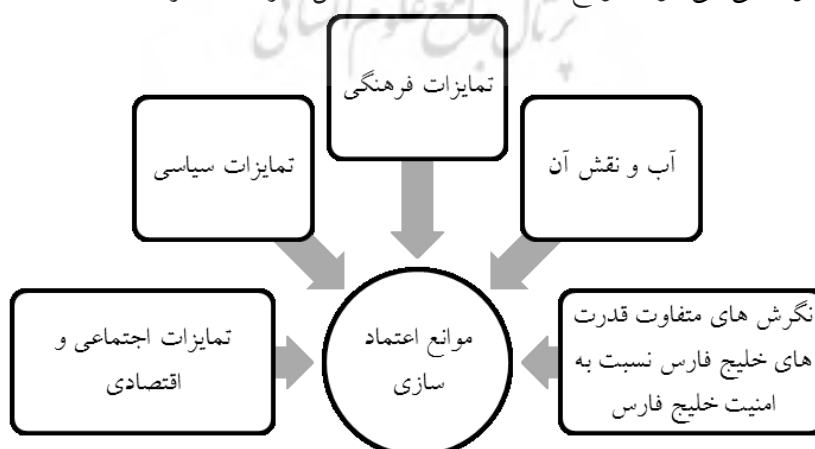


شکل (۵)، سطوح همکاری بین کشورهای منطقه ی خلیج فارس منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

به طور کلی اگر زمینه ی همکاری بین کشورهای خلیج فارس در سطوح ذکر شده و به ترتیب اهمیت ایجاد شود، در نتیجه می‌توان پیش بینی کرد که این همکاریها به یک همگرایی پیوسته و گسترش یافته بین اعضای خلیج فارس ختم می‌شود و در نهایت بدون حضور ابرقدرتها می‌توان برنامه ریزیهای منطقه را در دست گرفت و خود اعضای خلیج فارس بطور مستقل و پویا برای آینده ی خود تصمیم‌گیری خواهند کرد. با توجه به اینکه، منطقه ژئوپلیتیکی عبارتست از بخشی از سطح سیاره زمین و یا مجموعه ای از کشورها و واحدهای سیاسی - فضایی همجوار اعم از فضای خشکی یا آب یا تلفیقی، که بر اساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز گردد. مانند منطقه خلیج فارس. منطقه ژئوپلیتیکی در فرایند تکاملی خود به سازه ژئوپلیتیکی تبدیل می‌شود، در این حالت نیروهای سیاسی منطقه و غیر منطقه‌ای فعال شده و فرآیندهای همگرایی یا واگرایی و کشمکش یا همکاری توسعه می‌یابد. در صورت غلبه نهایی

نیروهای همگرا بر نیروهای واگرا سازمان منطقه‌ای شکل می‌گیرد و تاسیس می‌شود (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۳: ۷۳-۷۶). با توجه به حوادث اخیر در منطقه و خستگی مفرط بازیگران منطقه‌ای از ناامنی‌ها، آشوب‌ها و دخالت بازیگران فرامنطقه‌ای می‌توان پیش‌بینی کرد، طی چند سال آینده نیروهای همگرا بر نیروهای واگرا غلبه خواهند کرد و یک سازمان منطقه‌ای قدرتمند شکل خواهد گرفت.

یکی از مهمترین سیاست‌هایی که ایران می‌تواند برای همگرایی در منطقه به کار گیرد، دیپلماسی فرهنگی است: تغییر و تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی در حوزه خلیج فارس، محیط فرهنگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی را دگرگون ساخته است. این تحولات، فرصت‌ها و چالش‌هایی گوناگون را برای دیپلماسی فرهنگی ایران در این منطقه ژئوپلیتیکی شکل داده است. به گونه‌ای که جمهوری اسلامی جهت تحقق اهداف و آماج فرهنگی و غیر فرهنگی خود در این منطقه نیازمند بازتعریف و بازنگری فرهنگی است. از این رو، اعمال و اجرای دیپلماسی فرهنگی موفق ایران در حوزه خلیج فارس مستلزم اقدامات و الزاماتی چند است: اولاً: ابزارها و شیوه‌های سنتی و رسمی برای هدایت دیپلماسی فرهنگی موفق و مطلوب در کشورهای منطقه کفایت نمی‌کند. لذا، جمهوری اسلامی ایران باید از ابزارها و سازوکارهایی، چون رسانه‌ها و اینترنت در قالب دیپلماسی عمومی، رسانه، مجازی و دیجیتال استفاده کند. بهره‌گیری از توان علمی و آموزشی در چارچوب سیاست دانش مدار الزامی دیگر است که باید در دیپلماسی فرهنگی ایران مد نظر قرار گیرد. ثانیاً: در اثر تحولات سیاسی-مذهبی در منطقه، هویت و فرهنگ ایرانی امنیتی شده است. از اینرو، جمهوری اسلامی باید در قالب دیپلماسی فرهنگی باز و شفاف تلاش نماید تا از فرهنگ و هویت ایرانی امنیت زدایی نکند. هدایت دیپلماسی چند جانبه با همکاری و مشارکت کشورهای منطقه یکی از راهکارهایی است که می‌تواند در تحقق این هدف راهبردی کمک کند. تأسیس و تقویت نهادها و ترتیبات فرهنگی منطقه‌ای برای تثبیت و نهادینه کردن دیپلماسی فرهنگی چندجانبه نقش بسزایی ایفا می‌کند. (دهقانی، ۱۳۸۹: ۱۲۲). به طور کلی، در این زمان نیاز به اعتماد سازی است تا روابط را کنترل کند و بتواند سایه آرامش را بر سر ملت‌های منطقه بگستراند. به طور کلی می‌توان موانع اعتماد سازی را در شکل زیر نظاره کرد:



شکل (۷)، موانع اعتماد سازی در خلیج فارس،

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷، منبع: (ابراهیمی فرد، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۳۴)

راهکارهای عملی در روند اعتماد سازی در منطقه متعدد بوده و می توان شمار زیادی از آنها را فهرست نمود، اما باید توجه کرد کدام راهکار را می توان به حالت بالفعل تبدیل نمود و در منطقه برای رسیدن به اعتماد و ثبات از آن استفاده کرد. تعدادی از این راهکارها عبارتند از:

- ۱- ارتباط نزدیکتر مقامات سیاسی کشورهای منطقه
- ۲- ایجاد تریبون منطقه‌ای
- ۳- ایجاد پژوهش‌سرای و دفاتر مطالعات منطقه‌ای
- ۴- برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی برای نخبگان و علمای کشورهای منطقه و ایجاد جوی معتمد برای ارائه راهکارهای ایجاد نظم و ثبات
- ۵- همکاری مفید رسانه‌های گروهی کشورهای منطقه در جهت اتحاد و سازش‌های فرهنگی و احترام متقابل به یکدیگر

۶- تقویت همکاری‌های اقتصادی که می‌تواند مهم‌ترین راه اتحاد کشورهای منطقه باشد

۷- تقویت روحیه وابستگی درون گروهی

۸- اتحادیه دولت‌های محلی منطقه یک راهی موثر دیگر است که نمایندگان مردم محل‌های گوناگون از کشورهای منطقه را دور هم جمع می‌کند و آنها را در نظر دهی پیرامون آینده و سرنوشت خود و ملت خود ثابت قدم می‌سازد.

۹- مد نظر قرار دادن اسلام به عنوان دین واحد منطقه و پایبندی به اصول و قوانین آن، که مهم‌ترین این اصول توجه به حقوق و آرامش شهروندان است.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

کشور ایران به خاطر داشتن جمعیت زیاد، ثبات سیاسی، منابع بالقوه اقتصادی و از همه مهمتر داشتن بیشترین ساحل خلیج فارس و تسلط بر تنگه استراتژیک هرمز و همچنین اتصال آن به کشورهای آسیای مرکزی و دریای خزر، همانند پلی بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا اهمیت ژئوپلیتیکی فوق‌العاده‌ای دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، ایران، در منطقه دارای نقش اساسی است که در ابعاد اقتصادی، سیاسی و امنیتی خود را نشان می‌دهد و در حال حاضر می‌توان گفت: حضور ایران در منطقه دو جانبه- اقتصادی و متحدکننده- است. یعنی ایران در جهت ایجاد اتحاد کشورهای منطقه و مبارزه با چالش‌ها باید تلاشی گسترده داشته باشد. پس حضور ایران برای تثبیت هویت و ماهیت منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس و سرزمین‌های پیرامون آن امری لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

پیشینه فرهنگی ایران نسبت به سایر کشورهای این منطقه و هویت مذهبی آن و هم چنین قابلیت‌های اقتصادی و عملی ایران موجب تأثیرگذاری بالقوه هر چه بیشتر در منطقه و حتی تحولات جهانی شده است. ایران به عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب از دیرباز مورد توجه کشورها و تمدن‌های دنیا بوده است. این نقش ارتباطی میان قاره‌ای و مجاورت با خلیج فارس و تنگه هرمز که محل ترانزیت محموله‌های نفتی است، بر اهمیت و نقش مؤثر ایران در

نظر ناظران خارجی افزوده به طوری که هر گونه تحول سیاسی در آن موجب برانگیخته شدن حساسیت‌های جهانی می‌گردد.

موقعیت گذرگاهی ایران به سبب نقش پر اهمیت که در مبادلات منطقه‌ای ایفا می‌کند و هم چنین اثرات عمیقی که بر تحولات سیاسی - اقتصادی حوزه‌های وسیعی هم چون آسیای مرکزی، شبه قاره و اقیانوس هند بین‌النهرین و آناتولی وارد می‌کند، تبدیل به یک موقعیت حساس ژئوپلیتیکی گردیده است. از طرفی کشف ذخائر عظیم سوخت‌های فسیلی در بستر خلیج فارس و اعماق خاک کشورهای منطقه و نیز احتیاج و نیاز ضروری جهان صنعتی به این منابع موجب تردد هرروزه تعداد زیادی شناور حامل مواد سوختی از خلیج فارس و تنگه هرمز شده است و همین امر موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را تبدیل به یک موقعیت ژئوپلیتیکی در جهان ساخته است.

بنابراین، نقش جمهوری اسلامی ایران در برنامه ریزی‌های سیاسی، اقتصادی و تامین امنیت حوزه خلیج فارس در دهه‌های آینده بسیار برجسته خواهد بود. در پایان به موضوع همگرایی و راه‌های رسیدن به آن در ابعاد مختلف در منطقه و نقش ایران در ایجاد همگرایی اشاره شد. با اینکه همگرایی در منطقه خلیج فارس در حال تکوین است، اما باید متذکر شد که بیشتر همگرایی‌های جهانی از جنبه‌های گوناگون مستلزم ایجاد شرایط و امکانات مختلف بوده‌اند که همگرایی در خلیج فارس هم از این قضیه و روند مستثنی نیست.

منابع

- براهیمی، شهرزاد (۱۳۷۹). تحول مفهوم امنیت ملی، از امنیت ملی تا امنیت جهانی، تهران: سیاست دفاعی افشار سیستانی، ایرج (۱۳۳۸). منابع غیر نفتی ایران، مجموعه مقالات دومین سمینار خلیج فارس، تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی اسدی، بیژن (۱۳۹۲). خلیج فارس و مسائل آن، انتشارات سمت
- ابراهیمی فرد، طاهره (۱۳۸۹). الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی برزگر، شبنم (۱۳۹۲). بریتانیا و خلیج فارس، انتشارات پردیس دانش.
- برگین، دانیل (۱۳۷۴). تاریخ جهانی نفت، ترجمه غلامحسین صالحیار، جلد یک، تهران: موسسه اطلاعات
- بیک محمدی، حسن (۱۳۷۸). مقدمه‌ای بر جغرافیای تاریخی ایران، چ ۲، انتشارات دانشگاه اصفهان
- بلاکسل، مارک (۱۳۸۹). جغرافیای سیاسی، ترجمه محمد رضا حافظ نیا، عطاءالله عبدی، ربیعی و عباس احمدی، نشر انتخاب
- پرچکانی، زهرا (۱۳۸۵). اهمیت خلیج فارس، روزنامه اعتماد ملی، شماره ۱۱۴
- پیش نویس چشم انداز آینده صنعت نفت جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، (ه، ش)، تهران: اداره کل روابط عمومی وزارت نفت
- تاریخ، عبد الحمید (۱۳۸۶). بررسی توان نظامی ارتش کشورهای همسایه ایران (عربستان) ماهنامه جنگ افززر شماره ۲۴
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۹). خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه ی هرمز، تهران: سمت
- حافظ نیا محمدرضا و ربیعی، حسین (۱۳۹۲). مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس، تهران: سمت
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. انتشارات پاپلی
- حافظ نیا، محمدرضا و کاویانی راد، مراد (۱۳۸۳). افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی. تهران: سمت
- حیدری عبدی، احمد (۱۳۷۸). اتحاد منطقه‌ای خلیج فارس، موانع و مشکلات شکل‌گیری اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال چهاردهم شماره اول و دوم
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹). دیپلماسی فرهنگی ایران در خلیج فارس، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰ شماره ۴

- ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۶). ژئوپلیتیک خلیج فارس: ایران و آمریکا، فصلنامه ره آورد، شماره ۱۵
- رضائی، محسن (۱۳۸۴). ایران منطقه‌ای، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح،
- زین العابدین، یوسف (۱۳۸). تروریسم و ژئوپلیتیک نوین جهانی، فصلنامه ی سیاست خارجی سال بیست و یکم، پاییز، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس (با تاکید با شیعیان)، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- صفوی، سیدیحیی (۱۳۷۷). جغرافیای سیاسی و نظامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین
- عباسی، علیرضا (۱۳۹۲). موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در مناسبات قدرت منطقه‌ای و جهان. دوره ۲۲، ش ۸۶
- کمپ، جفری و رابرت هارکاو (۱۳۸۳). ترجمه سید مهدی حسینی متین جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، جلد یک، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- فولر، گراهام (۱۳۷۳). قبله عالم ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکزی
- قربان، نرسی (۱۳۷۳). دور نمار همکاری‌های کشورهای حوزه خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
- لوهازن، یوردیس فون (۱۳۷۹). جنگ خلیج فارس: جنگی بر ضد اروپا، ترجمه: شهره رستگار نامدار، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۰۷ و ۱۰۸
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۲). کشورها و مرزهای در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه حمید رضا ملک محمدی نوری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی،
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۸). امنیت منطقه ای در خلیج فارس، روند تلاش‌های گذشته م چشم انداز آینده، تهران: اطلاعات سیاسی - اقتصادی سال چهاردهم، شماره اول و دوم
- محرابی، علیرضا (۱۳۸۶). ژئوپلیتیک و اندیشه حکومت در ایران تهران: نشر انتخاب
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی. ترجمه دره میرحیدر، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- میریوسفی، علیرضا (۱۳۹۵). خاورمیانه در سالی که گذشت. خبرگزاری فارس. ۳ فروردین کد خبر ۱۴۰۹۸۸
- میرزاجانی؛ محسن و لطفی، حیدر (۱۳۹۶). نقش و تأثیر سواحل خلیج فارس و منطقه مکران در اقتصاد بین‌الملل و تأثیر استراتژیکی آن بر ایران با ارائه یک مدل راهبردی در توسعه اقتصادی و سیاسی، مقاله ۴، دوره ۲۹، شماره ۱
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۴). تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، تهران: انتشارات سمت